



۲۰۱۶/۱۲/۰۱

دوکتور محمد اکبر یوسفی

## «فیدل مرد، اما او شکست نا خورده مرد!»

در روز ۳۰ نومبر ۲۰۱۶م، صد ها هزار کیوبائی، سران حکومت و دول، با صندوق خاکستر رهبر انقلاب کیوبا، وداع نمودند. روزنامه آلمانی "نویس دویچلند" در خبر مختصر از مراسم یاد شده، می نویسد: **"فیدل مرد،**



Foto: dpa/Ernesto Mastrascusa

**اما او شکست نا خورده مرد!** سمبول مقاومت شناخته شده در سطح بین المللی، عقیده راسخ او و پیروی از راهی که انتخاب نموده بود، این افتخار ابدیت اعتماد و اعتبار را در قلب هوادارانش، نصیب او ساخت.

روزنامه آلمانی زبان، "نویس دویچلند"، گزارش می دهد که: " در میدان انقلاب کیوبا، در «هاوانا»، رئیس جمهور "نیکاراگوا"، "دانیل اورتیگا"، در آغاز بیانیه خود، می پرسد که: **«فیدل کجاست؟»**، بعد می گوید:

**«من فیدل استم. من فیدل استم.»** این کلمات، بالمقابل توسط کیوبایی های ماتمدار، در مراسم، بیک آواز، دوباره انعکاس داده می شود. در "هاوانا" صدها هزار کیوبائی، با برگذاری میتنگ

ها، از رئیس دولت و رهبر انقلاب آنها، وداع نمودند. درین مراسم هم چنان رؤسای دول و حکومت «چیگرا»، که به پایتخت کیوبا سفر نموده بودند، در شام سه شنبه (بوقت محلی) درین مراسم رسمی عزاداری، اشتراک



(از چپ به راست: "فیدل کاسترو"، "راول کاسترو" و "چی گوارا")  
در یک دفتر. هر سه یکجا جنگیدند.  
زمانی که فیدل کاسترو ضعیف شد،  
راول کاسترو قدرت را در کیوبا در  
دست گرفت و در انقلاب، انقلاب برا  
انداخت. "زوید دوپچه سائونگ" در  
رابطه با مرگ نامردنی")

Hasta siempre: Fidel  
Castro, Raúl Castro und  
Che Guevara (von links)  
in einem Büro in  
Havanna. (Foto: Enrique  
de la Osa/Reuters)

داشته اند. رئیس جمهور "ایکوادور"، "رفائل کورنیا" در میدان انقلاب گفته است:

## "فیدل مرد. اما او شکست ناخورده مرد."

صدراعظم یونان، "الکسیس تسپیراس" نیز سهم داشته، او از «کاسترو» بحیث یک سرمشق بین المللی " برای مبارزه آزادیخواهی مردمان جهان، تعریف نموده است. در عین حال، "میراث گرانبهای" او را در ساحة "تعلیم، در بخش صحت، و در ساحة علم و کلتور به چنان کلمات تقدیر نموده است که جمعیت کیوبائی حاضر درین مراسم در میدان انقلاب، با تأیید از اظهارات صدراعظم یونان، بیرق های کشور کیوبا را، به اهتزاز آورده و صدا زده اند: **"زنده باد انقلاب"**، **"زنده جاودان باد فیدل"**، بسیاری از آنها، تصاویر متوفی را در دست داشته اند.

از جانب حکومت آلمان و حزب سوسیال دیموکرات آلمان، درین مراسم، "گیرهارد شرویدر" صدر اعظم یا رئیس حکومت سابق آلمان، اشتراک داشته است. "گیرهارد شرویدر" ابراز امیدواری نموده است که، میراث بزرگ او را در ساحة تعلیم و تربیه، علم، بخصوص دستاورد های علمی در ساحة طب و غیره، باید حفظ و در راه انکشاف بیشتر ادامه یابد.

گزارشات مطبوعاتی، در رابطه با مرگ این شخصیت بزرگ و معروف جهان، که طولانی ترین زمان بحیث رهبر و رئیس یک دولت خدمت نموده است، عکس العمل های متفاوت شنیده شده است، از عزاداری گرفته، احساس خوشی به ضرر دیگران". در حلقه دشمنان او بیشتر، همان "مخالفین" رژیم او قرار داشته اند، که در قریب شصت سال اخیر در ایالات متحده بسر می برند. آنها به سرود و پایکوبی پرداخته اند، اما اکثریت شخصیت های سیاسی جهان، به آدرس "فیدل کاسترو"، از ذکر کلمات احترام آمیز کار گرفته اند. مخالفین او فراموش کرده اند، که "کیوبای زمان باتیستا"، بعنوان یک **"فاحشه خانه"** ایالات متحده آمریکا، شناخته می شده است. درین



کشور مانند تمام جزایر دیگر منطقه "کارائیب" فقط یک قشر محدود بالایی، ازین جزایر، استفاده اقتصادی می نموده اند.



"میخائیل گرباچف"، که تصویر یکجائی آنها در سال ۱۹۸۹م، در "هاوانا" دیده می شود، از "فیدل کاسترو" بعنوان **"یکی از انقلابیون بزرگ قرن بیست یاد کرده است"**. در جایی دیگر می گوید، که "کاسترو" ناکامی "ریفرم" در اتحاد شوروی، تحت نام "پریسترویکا" را خیلی "قلبی" گرفت و ما "دوستان خوبی شدیم و هنوز هم مانده ایم."

رئیس جمهور اسبق برازیل، "لوئیز ایناسیو لولا ده لا سیلوا" (Ex-Präsident Luiz Inácio Lula da Silva)، رهبر سابق متوفی کیوبا را **"بزرگترین همه امریکای لاتینی ها"** نامیده است. به ادامه گزارش مؤسس حزب کارگر برازیل، علاوه می کند که: **"برای مردمان قاره ما و برای کارگران کشور های فقیر، بخصوص برای مرد ها و زنان هم عمر من، "فیدل" دائماً صدای مبارزه برای امید بوده است."** " مرگ کاسترو" برای او مانند **"ضایعه یک برادر کلانسال"** و یک رفیق فراموش نا شدنی است.

فوتبال معروف جهان، "دیگو مراودونا" در باره رهبر متوفی انقلاب کیوبا، "فیدل کاسترو"، گفته است که: **"بزرگترین مرده است."** به ادامه می گوید: **« او بزرگترین بود، زیرا همه چیز را می دانست او چیزهایی را پیش بینی می کرد و به مردم خود، می داد.»**

این قهرمان بین المللی سال ۱۹۸۶م، که می گوید چهار سال در کیوبا زندگی کرده است، یک پیوند دوستی با "کاسترو" برقرار نموده است.

رئیس جمهور فرانسه "فرانسوا هولاند" از "فیدل کاسترو" بعنوان یک **«شخصیت قرن ۲۰»** با قدردانی یاد کرده است. اضافه می کند که او انقلاب کیوبا را با امیدها و هوشیاری ها و آزردگی ها، به پیش برده است. او هم چنان از "کاسترو" بعنوان یک مشارک و هنر پیشه عملی جنگ سرد، خوانده است، یک مرحله ای که به فروپاشی آنوقت اتحاد شوروی انجامیده است.



Nach seiner Festnahme im Juli 1953

رئیس کمیسیون "اروپائی"، "ین - کلاوده یونکر"، به نوبه خود در باره "فیدل کاسترو" می گوید: **"فیدل کاسترو یک شخصیت تاریخی قرن گذشته و تجسم کننده انقلاب کیوبا، شناخته شده است. با مرگ او، جهان کسی را از دست داده است، که برای بسیاری یک قهرمان بوده است."**

بهمین ترتیب، "ولادیمیر پوتین"، "فیدل کاسترو" را **«بحق بعنوان سمبول یک مرحله کامل تاریخ زمانی»**

شناخته است. در عین حال به ادامه می نویسد: **" فیدل کاسترو یک دوست مورد اعتماد و قائم مقام روسیه بوده است"** در حالیکه "کاسترو" در زمان "جنگ سرد" با بحیث یک "انترناسیونالیست" سروکار داشته است. تنها



روسیه نبوده است، سیاست آنوقت هم، با سیاست فعلی روسیه، کاملاً مطابقت نداشته است. طوری که در تصویر فوق دیده می شود، اتحاد شوروی، در آستانه فروپاشی کمک های آنرا برین کشور متوقف ساخته است، این در حالی بوده است، که این کشور کوچک "کارائیب"، با "تحریم های" وسیع اقتصادی و فشار های سیاسی - نظامی بسرده در طول زمان پس از انقلاب، با قدرت بزرگ جهان، ایالات متحده امریکا، مقابله داشته است. رئیس حکومت هسپانیه، از " فیدل کاسترو"، بعنوان **"یک چهره ای با اهمیت تاریخی"** تقدیر نموده است.

"فیدل کاسترو" علیه **"دیکتاتور باتیستا"**، انقلاب انقلاب کیوبا را رهبری و به پیروزی رسانید. در نخستین اقدام مسلحانه در سال ۱۹۵۳م، که در تصویر می بینید، به هدف نرسیده، "فیدل کاسترو" گرفتار و زندانی شد. بحیث داکتر حقوق و وکیل مدافع از خود دفاع نموده است، بالاخره در سال ۱۹۵۹م، پیروزی نصیب او و رفقایش گردیده است.

درست سه سال بعد از پیروزی "انقلاب" در کیوبا، در سال ۱۹۶۲م، بین دو قدرت بزرگ وقت، "اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" تحت رهبری "خروسچف" و ایالات متحده آمریکا، در زمان ریاست جمهوری "جان اف کیندی"، بر سر محاصره کیوبا و نصب راکت ها، وضعیت "بحرانی" رخ داده است. "خروسچف منشی عمومی شوروی" با "کیندی"، طوری که در پایان تصویر دیده می شود، بتوافق رسید، تا راکت ها را از کیوبا، بیرون بکشد.



Der sowjetische Generalsekretär  
Chruschtschow einigt sich mit  
Kennedy auf den Abzug der Raketen  
aus Kuba

قرن بیست شاهد وقایع بزرگ سیاسی در جهان ما بوده است. انقلاب ها، کودتا ها، دو جنگ جهانی، بحرانات منطوقی، سقوط رژیم های سلطنتی، تهدابگذاری سیستم های متضاد و هم چنان فروپاشی های غیر قابل تصور آن رژیم های "دیکتاتوری طبقاتی"، که تذکر همه درینجا گنجایش نمی بیند، ثبت تاریخ شده است. ملت ها و جوامع مختلف، راه پیشرفت و انکشاف آنها را از راه "انقلاب" و یا از طریق انکشاف، در پیش گرفته اند. از چند روز به اینطرف، "فیدل کاسترو"، یک "انقلابی نمونه"، رهبر انقلاب کیوبا، وکیل "مدافع حقوق" که از مصیبت ها و افتخارات در زندگی خود، در دو قرن شهادت می داد، ازین جهان بعمر ۹۰ سالگی، چشم بست. اما، بندرت می توان در جهان امروز یک شخصیتی را با چنان مقاومت و طاقت، وفادار به آرمان های مردم آن یافت. در مقاله قبلی این مقوله شخصیت بزرگ کیوبا را که ۴۷ سال درین کشور حکومت کرد و پس از آن هم، در حالت مریضی، نقش اصلی رهبری را کاملاً

از دست نداده بود، چنین خواندیم: **«ما انقلابیون هیچ انتخابی را در مقابل خود نداریم، فقط مکلف استیم»**. تاریخ شاهد آنست، که «دیکتاتوری ها» همه یکسان نبود و «دیکتاتور ها» هم چنان دارای شخصیت یکسان نمی باشند، بهمین ترتیب این چنین تفاوت ها در مورد «دیموکراسی ها» و «دیموکرات ها» نیز صدق می نماید.

از زبان رئیس "جمهور منتخب" ایالات متحده، "دونالد ترمپ" که تا اکنون چوکی قدرت را اشغال نموده است، در باره "فیدل کاسترو"، نقل قول صورت گرفته که گویا، از او بعنوان «دیکتاتور بی رحم» نام برده است. ازین "میلیاردر" که ثروت خود را در بخش "هوتل ها" و "قمار خانه ها" جمع آوری نموده است، دیگر انتظار نمی توان داشت، او باید همبستگی خود را با میراث خوران "باتیستا"، نشان می داد. از طرف دیگر، از طرح های مقدماتی و کلی خطوط سیاست آینده ایالات متحده آمریکا، تحت رهبری این شخص، بیم آن محسوس است، که قدم های برداشته شده اخیر، در مناسبات بین ایالات متحده آمریکا و کیوبا، به عقب برگشته خواهد شد.

پایان.